

ای مزدا اهورا:

با دستهای برافراشته و خواهان خشنودی بتو روی می آوریم تا بهترین سرود ستایش خود را بدرگاهت بر افرازم . در آستانه ی سال نو ترا می ستاییم ای دادار بزرگ که سپهر بیکران را فراز گستردی و خورشید تیز اسب جاودان پیروز را روشنی بخش آن کردی تا پرتو زرینش غبار تاریکی از چهره ی زمین برگیرد و رویش و بالش گیاهان، و پویش پویندگان را فراهم آورد . تا درختان بارده بار بردارند و با سرهای خمیده سپاس ترا بجای آرند. تا گلهای نوشکفته زرینه پرتوش را بنوشند و چهره ی زمین را به زیباترین رنگها بیارایند. تا آدمی راه از چاه باز شناسد و شایست از نا شایست بداند.

ای بزرگترین سزاوار ستایش:

ترا می ستاییم که گردونه ی ماه را گردن آویز سپهر کردی تا با سیمینه پرتوش پهنه ی بی کران جهان را روشنایی بخشد و سپاه تاریکی را بتاراند. تا گیاهان را ببالاند و جامه ی زیبای سبزگون بر تن زمین بپوشاند. تا دریانوردان و کاروانیان را راه بنماید. تا هنگامی که پر می شود دلهای دلباختگان را بلرزاند، و هنگامی که کمان می شود آرش را بیاد آرد و کوهساران را پر از آوای ایران بگرداند.

ترا می ستاییم ای هستی بخش بزرگ:

که ستاره ی باران زای تیشتر را آفریدی تا پیش آهنگ خورشید در آسمان باشد و دیگر ستارگان را در پیرامون خود گرد آورد. تا جنگ خشکی برخیزد و با آذرخش و تندر سپاه خشکسالی را بتاراند. تا با آب پهنه گستر غبار خشکی از تن زمین برگیرد و زمین را چشمه ی زاینده ی زندگانی بگرداند. تا رودها و چشمه ساران را سرشار از آبهای توان ساز زندگی بخش بگرداند .

ترا می ستاییم ای دادار همه دانا:

که زمان بیکران را آفریدی تا جام سپهر باشد.
تا هستی بیکران را در پیاله ی خود جای دهد .
تا هر چیز را بزاید، ببالاند و بمیراند.

ترا می ستاییم ای بهترین سزاوار ستایش:

که فر کیانی نیرومند را آفریدی
آن فر بسیار ستوده، و کار آمد و چالاک را،
فری که بدان آفریدگان را پدید آوردی،
فراوان و خوب،
فراوان و زیبا،
فراوان و دلپذیر،
فراوان و کار آمد،
فراوان و درخشان .

ترا می ستاییم ای مزدا اهورا:

که در میان کشور ها ایران را آفریدی:
تا شهبانوی کشورها شود .
که البرز بالا بلند را آفریدی تا آرش کمانگیر تیرش را
از فراز آن بپراند و مرزهای ایران را تا فراسوی پندار
بگستراند.
که الوند برفپوش را آفریدی تا فر شاهنشهی را در
گنجنامه ی خود جاودان نگهدارد.
که زاگرس سخت گذر را آفریدی تا دشمن از ایران دور
بدارد.
که رود ارس، و کارون فراخ بستر، و خلیج همیشه پارس را
آفریدی تا ایران را جاودان بالنده بگردانند.

ترا می ستاییم ای سزاوار ستایش:

که ما را به کالبد هستی در آوردی و به ما خرد بخشیدی
تا راه از چاه، و شایست از ناشایست باز شناسیم.

اندیشه ی نیک را بر ما فراز آوردی تا گفتار و کردار خود را با آن همساز کنیم.
به ما توان بخشیدی تا با کار و کوشش و جهش و جنبش، خانمان- و روستا - و شهر- و کشوری آباد پدید آوریم.
به ما توان دادی تا با شادی پراکنی و مهر گستری دستیاران تو در کار آفرینش جهان باشیم و جهان بهتری برای خود و برای دیگر مردم جهان پدید آوریم و شادی و مهر در میان مردمان بگسترانیم.

ای مزدا اهورا :

درآستانه ی سال نو سرود ستایش ما را که از ژرفای دل فراز می شود بشنو و خواست هایمان را برآورده ساز.
نیروی پایداری را در ما بیفزای، تا بر کاستی ها چیره گردیم و در پیکار زندگی سربلند باشیم و پیروزگر .
در خانه هایمان پسران و دختران سینه ستبر و بلند بالا و خرد گرا را فزون بگردان، و ما را که ستایشگران تو ایم پیروز گر بساز.

به ما تندرستی و توانایی ارزانی بدار تا همه ی آن چیز ها را که به زندگی شکوه و شادمانی می بخشند فراچنگ آوریم...

بشود که روشنایی تو بر زندگانی ما پرتو بیفشاند...
بشود که در خانه های ما شادمانی و پر خواستگی ریشه بگستراند...

بشود که دانش نیک بیاریمان آید و ما را بسوی زندگی بهتر راه بنماید...

بشود که در خانه هامان فرزندان زیبا پیکر و دانا و توانا زاده شوند...

فرزندان زور مند و گویا و خرد گرا و رزمنده در راه کشور...

فرزندان با هوش و دانش و توانش، و با فر و فرهنگ...
فرزندان آراسته به اندیشه و گفتار و کردار نیک که در یابند خانه، و خانواده، و روستا، و شهر، و کشور را.

و اینهمه را خواستاریم :

نه برای آنکه گام به بیراهه بگذاریم،

نه برای اینکه دانش و توانش خود را در راه تباهی جهان بکار بندیم !

نه برای اینکه پیک اندوه، و پیام آوران مرگ باشیم !
برای اینکه اراده ی ترا که پیشرفت و نو سازی جهان است
جامه ی کردار بپوشانیم،

برای اینکه زمین را جشنگاهی بزرگ برای مردمان سازیم .
برای اینکه پیرو خرد باشیم و از خرافه باوری که
دستآورد اهریمن است روی بگردانیم.

برای اینکه ریشه ی دروغ برکنیم و آیین نیاکانمان را که
همساز با هنجار آفرینش است جایگزین آیین تازیان
بگردانیم.

برای اینکه میهن خود را از چنگال اهریمنی رایات دور
بداریم.

پس ای دادار بزرگ که چرخه هستی جز به داد تو نمی
چرخد، به ما دانش و توانش بیشتر ارزانی بدار تا اراده
ی ترا در زندگانی خود به کردار درآوریم.

این سال نو خورشیدی را بر همه ی مردم جهان، بویژه به
هم میهنان خوب ما در هر کجای این جهان فراخدامن که
هستند خجسته بگردان و سفره ی شادمانی را فراروی همگان
بگذار.

ایدون باد و ایدون تر باد .

آرش برخی از واژه ها :

۱- سپهر: آسمان - فلک

۲- زرینه: طلایی.

۳- پویندگان: جانداران .

۴- سیمینه: نقره ای

۵- تیشتر **Tishtar**: (تیر) که ایزد باران زا است و

نام درخشنده ترین ستارگان می باشد. در اوستا یشت

هشتم بنام او است. در زبان لاتین **Sirius** و در زبان

تازی شعری یمانی. در پارسی شباهنگ هم گفته شده

است . این ستاره در شبهای تابستان نمایان می شود .

۶- آذرخش: صاعقه .

۷- تندر: رعد . غرش ابر.

۸- فر کیانی: نیرویی نادیدنی و نابسودنی که از آن

اهورا مزدا است.

۹- پُر خواستگی: دارشمندی . دارایی فراوان (خواسته=

دارایی)

ایدون باد: اینچنین باد (آمین)

از سرپرستان تارنماهای ایرانی خواهش می
کنم اگر دوست دارند این نیایش را در
تارنمای خود بگذارند .
از برنامه سازان رادیو تلویزیونهای پارسی
زبان خواهش می کنم این نیایش را جایگزین
دعای «یا مقلب القلوب» کنند